



این کوی و این میدان ۲۰۱۴

بخش ۲

دشمن دانا بلندت میکند بر زمین می‌زندت نادان دوست

حوادثِ گوناگون در ۳۵ سال گذشته روابط بین ایران و سایر کشورهای جهان به ویژه آمریکا را دچار تنش‌ها و طوفانهای شدیدی کرده‌اند که بخش بزرگی از این تنش‌ها با ورود ناتو به افغانستان و سپس ورود آمریکا به عراق آغاز گردید و روندِ سیاسیِ خاورمیانه و آسیایِ مرکزی را دگرگون کرد. نمایشنامه‌ی پیروزمندانه‌ی سال ۲۰۰۱ ناتو در افغانستان و به اصطلاح «آزادی عراق» در سال ۲۰۰۳ سامانه‌ی کنترل و توازن خاورمیانه را که تا آن زمان با درایتِ مردانِ بزرگی چون شاهنشاه آریامهر پادشاه ایران به وجود آمده بود، ویران کردند و به دنبال آن هرج و مرج، خونریزی، انقلاب‌های رنگین، بهار عربی، صدور دمکراسی آمریکائی، پرورشِ «جهادگران القائده» و رویارویی شیعه و سنی از شام تا پاکستان پدید آمدند. بخش دیگری از تنش‌های خاور میانه نتیجه‌ی جهل و نادانی آشکار مزدوران و خودفروختگانی است که برای نگهداری از بیضه‌ی اسلام دکان لایبگری «دلالی» گشوده‌اند و با میلیاردها دلار از سرمایه‌های دزدیده شده از ملت ایران به دنبال سیاستمداران فاسد و رشوه‌خوار غربی و شرقی می‌دوند.

دیدیم که یورش نظامی آمریکا و ناتو به عراق و افغانستان به پیروزی بی‌چون و چرای سیاسی تبدیل نشد و هدف اساسی غرب یعنی کنترل کامل خاورمیانه و برقراری صلح و امنیت در کشورهای اشغال شده و کشورهای مجاور آنها به وسیله‌ی رژیم‌های دست‌نشانده نه تنها به انجام نرسید. بلکه با واکنش شدید بخشی از نیروهای سیاسی و اجتماعی روبرو شد، و از اینرو سازمانهای اطلاعاتی غرب برای کوبیدن نیروهای

سیاسی و مخالفِ یورشِ ناتو و آمریکا به خاورمیانه، «جهادگران القائده»، و سایر سازمانهای تروریستی را که خودشان تشکیل و پرورش داده بودند، با تجهیزات نظامی وارد میدان کردند و بجان مردم انداختند.

امروز دولت آمریکا توان مسئولیت پذیری و پذیرش اینکه یورش به افغانستان و جنگ عراق را بسیار ناشیانه و بدون توجه به پیامدهای سیاسی و اقتصادی آن آغاز کرد، ندارد و نمی‌تواند بپذیرد که اشتباه آنها در سیاست خارجی سبب آشوب و خونریزی در خاور میانه شده است و سایر کشورهای همراه با ناتو، که دستشان به خون خاورمیانه آلوده است، مجبور به سکوت هستند.

نگاهی به افغانستان!

آیا فراخواست آمریکا برای تجاوز به افغانستان و مبارزه با تروریسم بین‌المللی و آزادی ملت افغان از دست طالبان درست بود؟ آیا تا سال ۱۹۹۴ طالبان در افغانستان جنایتی نکرده بود و آیا آمریکا نمی‌دید که افغانستان به مرکز تولید و ترانزیت مواد مخدر تبدیل شده است؟ در سال ۱۹۹۴ و پس از کشف میدان‌های بزرگ نفت و گاز در دریای خزر توجه آمریکا به افغانستان بیشتر شد، زیرا «کارلوس بولگرونی» رئیس شرکت نفت «بریداس» در آرژانتین پیشنهاد کرد که ترابرد نفت و گاز دریای خزر باید از خاک افغانستان انجام گیرد. او گفته بود که افغانستان و ترکمنستان کلید طلایی برای گشودن مشکل جابجائی نفت به کرانه‌ی خلیج پارس هستند. از اینرو همه‌ی تشنگان درآمدهای گزاف دریافتند که زمان غارت افغانستان فرارسیده و برای فرستادن نفت و گاز دریای خزر به بازارهای جهانی به خاک افغانستان نیازدارند، و باید کنترل افغانستان را بدست بگیرند.

بین سال‌های ۱۹۹۱ و ۱۹۹۴ کارشناسان «بریداس» طرح ساخت خط لوله انتقال نفت و گاز از خاک افغانستان را آماده و برای سرمایه‌گذاری پیشنهاد کردند. در اکتبر سال ۱۹۹۵ «صفرمراد نیازوف» رئیس جمهور وقت ترکمنستان دو قرارداد با شرکت آمریکایی «دلتا-اوایل» که به خانواده‌ی سلطنتی عربستان سعودی وابسته است، امضاء کرد. قرارداد اول برای ساخت خط لوله‌ی ترابری گاز در مسیر ترکمنستان، پاکستان و افغانستان بود، و قرارداد دوم برای ساخت خط لوله انتقال نفت از ترکمنستان و افغانستان تا ساحل دریای عمان در پاکستان بود. کل مبلغ سرمایه‌گذاری در این دو طرح برابر ۴٫۷ میلیارد دلار برآورد گردید و در مراسم رونمایی این پیرنگ به روشنی بیان شد که بی‌ثباتی سیاسی افغانستان یکی از بازدارندگان اساسی برای اجرای این دو پیرنگ می‌باشد. در ماه مارس سال ۲۰۰۱ فرستاده‌ی طالبان برای انجام گفتگو با دولت آمریکا وارد واشنگتن شد. وزارت خارجه آمریکا به دستور جورج بوش پسر پرونده‌ی به رسمیت شناختن دولت طالبان را در دستور کار دولت گذاشت به شرط آنکه طالبان در زمینه‌ی ساخت خط لوله‌ی ترابرد نفت در آسیای مرکزی و گذر آن از خاک افغانستان با آمریکا همکاری کند. گفتگوها تا ۲ آگوست

سال ۲۰۰۱ ادامه داشت و در پایان طالبان شرایط آمریکا را نپذیرفت و بدینوسیله حکم اعدام خود را امضا کرد و همانطور که دیدیم آمریکا و ناتو وارد افغانستان شدند، ولی شرکت‌های فرامیلتی که با سیاستمداران واشنگتن و ریاض ارتباط نزدیک دارند، برندگان اصلی تجاوز به افغانستان شدند.

نگاهی به عراق

صدام حسین بیش از اندازه به مسکو نزدیک شده بود. با پیرنگ دولت فخریه و به زور چماق آمریکائی، جرج بوش آشکارا به بهانه من در آوردی این جنگ را آغاز کرد و کشورهای دیگر را به عنوان متحدان خود به میدان کشید. سلاح و ابزار کشتار همگانی در عراق پیدا نشد و گزارش‌های سازمان‌های اطلاعاتی هیچکدام گویا و روشن نبودند، و حتی دخالت صدام حسین در اعمال تروریستی نیویورک هم به اثبات نرسید.

بیانیه‌های پی‌درپی دولت آمریکا درباره‌ی مبارزه با گسترش سلاح‌های هسته‌ای، و برقراری دموکراسی در عراق و تأمین آزادی بیان و حقوق بشر در عراق، سرپوشی برای پنهان کردن کازار ننگین سیاستمداران آمریکایی و سود شرکت‌های نفتی آنها بود. انگلستان و آمریکا بیدرنگ زیرساخت‌های نفت و گاز عراق را اشغال کرده و کنترل کامل آن را بدست گرفتند و در ده سال گذشته نه تنها از محل فروش نفت عراق صدها میلیارد دلار برداشت کرده و تمام هزینه‌های جنگ را جبران کرده‌اند، بلکه با دلارهای نفت عراق به پشتیبانی از عملیات افغانستان هم پرداختند. و جالب اینکه آقای دیک‌چنی معاون جورج بوش، تئوریسین و الهام دهنده‌ی آزادی عراق، تنها در طول دو سال بیش از ۲۰۰ میلیون دلار سود خالص از محل فروش بنزین برداشت کرده‌اند.

عراق که زمانی یکی از نیرومندترین کشورهای جهان عرب بود، امروزه به سرزمین هواناکی تبدیل شده و یک سوم جمعیت آن از محل کمک‌های خارجی زندگی می‌کنند. در زمان جنگ «آزادی عراق» تمام ساختارهای بنیادی آب، برق و پارگین «فاضلاب» ویران شده و مردم عراق هر روز در اندیشه‌ی گذران زندگی و زنده ماندن تا بامداد دیگر هستند و به گمان زیاد جهان شاهد تجزیه‌ی عراق در سال ۲۰۱۴ به سه کشور کردی، سنی و شیعه نشین خواهد بود.

انگلستان و آمریکا این کشور را ویران کردند و مسئولیت آن همه جنایتی را که در خاورمیانه به وجود آمد، بر دوش کشورهای دیگر انداختند و با خروج سربازان آمریکا از عراق ادامه‌ی کار را به سپاه اسلام در خاورمیانه واگذار کردند.

نگاهی به ایران!

از زمانی که ایران و آمریکا در سال ۱۹۸۰ به روابط دیپلماتیک خود پایان داده‌اند، بسیاری بر این باور بودند که آمریکا و ناتو بزودی رژیم تروریستی اسلامی در ایران را سرنگون خواهند کرد. ولی روز ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۱۳ پرزیدنت باراک اوباما طی سخنانی در مجمع عمومی سازمان ملل گفتند که: «آمریکا به دنبال سرنگونی رژیم اسلامی نیست» و سپس روشن گردید که ایالات متحده نه تنها سرنگونی رژیم ایران را نمی‌خواهد بلکه تلاش می‌کند تا دزدان و تیرخلاف‌زنهای رژیم اسلامی را با «سلام و صلوات» به آمریکا بیاورد تا کمی دموکراسی آمریکائی بیاموزند و با ورود سرمایه‌های بادآورده‌ی جنایتکاران صادراتی رژیم، اقتصاد ورشکسته‌ی آمریکا بتواند نفسی آرام بکشد.

پس از یورش آمریکا و ناتو به افغانستان و عراق مرزهای ایران در امان نماندند. هرج و مرج و ویرانی در افغانستان و عراق گروه‌های بسیاری از مردم آواره را بسوی ایران روانه کرد و در میان آنها بسیاری از بنیادگرایان و تروریست‌های مذهبی وارد ایران شدند که البته رژیم جمهوری اسلامی از آنها استقبال کرد و با استفاده از همین افراد و به دست سپاه پاسداران باندهای مافیای قاچاق مواد مخدر به ایران را پدید آوردند که امروزه بیشترین مواد مخدر تولید افغانستان را وارد ایران می‌کنند.

نیروی هوایی اسرائیل در سال ۱۹۸۰ به تأسیسات هسته‌ای عراق و سوریه ضربه وارد کرد، در ماه آپریل سال ۲۰۱۲ بنی‌گانتس فرمانده ارتش اسرائیل در گفتگو با روزنامه‌ی «یدیعات آخرونوت» بیان کرد که ارتش اسرائیل برای بمباران و ویران کردن زیرساخت‌های هسته‌ای ایران آمادگی کامل دارد و افزود که افسران ارتش اسرائیل بطور مداوم در ماموریت‌های محرمانه در خارج از کشور شرکت دارند و برآورد سازمان‌های اطلاعاتی نشان می‌دهد که احتمال بروز جنگ روز بروز بیشتر می‌شود.

در ماه فوریه ۲۰۱۲ اهودباراک وزیر دفاع اسرائیل در کنفرانس «هرتسلیا» گفت که اگر تا پایان گفتگوها روشن شود که تحریم‌ها در برابر برنامه‌ی هسته‌ای ایران کاربرد ندارند، کشور اسرائیل آماده است بی‌درنگ به ایران ضربه وارد کند، و «موشه یعلون» معاون نخست وزیر اسرائیل گفت که باید به زیرساخت‌های هسته‌ای و به نیروهای سپاه پاسداران رژیم که از آنها دفاع می‌کنند، هم زمان ضرباتی وارد کرد. به گفته‌ی او، ساختارهای زیرزمینی ایران که مرکز طراحی سلاح‌های هسته‌ای می‌باشند، در برابر ضربات ارتش اسرائیل بسیار آسیب پذیر هستند.

پیام پرزیدنت اوباما روز ۲۴ سپتامبر سال ۲۰۱۳ در مجمع عمومی سازمان ملل استراتژیست‌های اسرائیلی را شگفت‌زده کرد، و آنها به این نتیجه رسیده‌اند که واشنگتن خسته شده و می‌خواهد برای تجدید نیرو کمی با ترفندهای تاکتیکی تهران سازش کند، که در پایان به ساخت بمب اتم رژیم اسلامی در ایران منجر خواهند

شد. (کره‌ی شمالی نیز همینطور ایستادگی از خود نشان داد و سلاح هسته‌ای خود را ساخت). اسرائیلی‌ها بسیار تلاش کردند تا برای آمریکایی‌ها روشن کنند که امید بستن به آخوند روحانی به اندازه‌ی امید بستن به «اخوان المسلمین» در مصر است، و چنین امیدی بجز جنون و دیوانگی بیش نیست. ولی آمریکا درک دیگری از رویدادهای خاورمیانه دارد و دولت اوباما دستور کار ویژه‌ای را دنبال می‌کند که با سیاست‌های اسرائیل همخوانی ندارد. اکثر بازیگران سیاسی خاورمیانه بر این باور هستند که باراک اوباما همچنانکه خودش هم گفت وارد ماجراجویی با ایران نخواهد شد، ولی در برابر سیاست خارجی اسرائیل به مشکل برخورد کرده است. شرایط خاورمیانه دگرگون شده، دنیاداران به انجام نمایشنامه‌های دیپلماتیک و صدور بیانه‌های گوناگون برای گرم کردن تنور افکار عمومی نیاز دارند تا در زمان لازم نان خود را بپزند و از اسرائیل نیز می‌خواهند که با این شرایط همراه باشد، که البته این هم می‌تواند بخشی از همان نمایشنامه‌های دیپلماتیک باشد.

آمریکا و کشورهای ناتو در پشت پرده اسرائیل را برای وارد کردن ضربات به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران به سلاح‌های مدرن مجهز کرده‌اند، و از سوی دیگر عربستان سعودی از سال ۲۰۰۹ تا کنون با هزینه‌ی میلیاردها دلار نابودی رژیم اسلامی ایران را هدف خودش قرار داده است. ریاض که نگران افزایش توان نظامی ایران در خلیج پارس است، بیانات تهران درباره‌ی آمادگی برای بستن تنگه هرمز بر نفتکش‌های خارجی (چنانچه خطری برای برنامه هسته‌ای ایران ایجاد شود) را که نفت عربستان سعودی، کویت و امارات و گاز قطر را به بازار جهانی می‌برند، جدی گرفته، و به این نتیجه رسیده که باید رژیم اسلامی ایران را به دست دیگران نابود کند، ولی عده‌ای از آل سعود گمان می‌کنند که تشدید تنش در خلیج فارس پایان خوبی نخواهد داشت.

کافی است که ایران بتواند تنگه‌ی هرمز را ببندد و بتواند به وسیله نیروی هوایی و موشک‌های برد کوتاه میدان‌های نفتی و زیرساخت استان شرقی عربستان سعودی، چاه‌های نفتی کویت و میدان گازی شمالی و اسکله‌های گاز فشرده‌ی قطر را هدف قرار بدهد تا در بازار جهانی انرژی را به سقوط کشانده و همزمان باعث نابودی خلیفه‌گری عربستان گردد، زیرا عربستان بدون نفت بسیار شکننده خواهد بود. «احمد بن جاسم» نخست وزیر پیشین قطر با درک این مهم به ریاض رفت تا همه‌ی جوانب وحشتناک ضربه‌ی آمریکا و اسرائیل به ایران را بازگو نماید و خواست که سعودی‌ها اشتباه نکنند.

باید به طور ویژه اشاره کرد که دولت سلفی وهابی قطر و رقیب اساسی دولت وهابی عربستان سعودی در جهان سنی، از برنامه‌های عربستان پشتیبانی می‌کرد که این امر بسیار شگفت‌انگیز بود و لازم بدانیم که چه کسانی در خاورمیانه آتش بیار معرکه هستند.

پاسخ بسیار روشن است: دولت های سلفی و وهابی می‌خواهند با پولهای بادآورده‌ی نفتی و به دست آمریکا و اسرائیل زیرساخت‌های ایران را از کار بیاندازند. همه‌ی شعارهای ضد صهیونیستی ریاض و دوحه فقط برای عوام فریبی است تا ملت‌های جهان عرب و اسلام را اغفال کنند. عربستان سعودی و قطر به قدس احتیاجی ندارند. عربستان خواستار فرمانروایی در بازار نفت است و قطر در پی خریداران بیشتر برای گاز فشرده‌ی خود در بازار جهانی است. هم اکنون شرکت هواپیمایی «قطر اریوز» که ۴۰٪ سهام آن مال «احمد بن جاسم» است، هر روز گردشگران اسرائیلی را از عمان به سراسر آسیا و آفریقا از طریق فرودگاه دوحه می‌برد و زبان عبری در مجلل‌ترین هتل‌های پایتخت قطر همیشه شنیده می‌شود.

و اینکه پس از فوریه سال ۲۰۱۰ تاکنون هر روز از پایگاه نیروی هوایی «العدید» قطر جنگنده‌های نیروی هوایی آمریکا به پرواز در می‌آیند و هواپیماهای حامل سامانه «آواکس» مشغول جمع‌آوری اطلاعات رادیو الکترونیکی هستند. سامانه موشکی ضد هوایی «پاتریوت» ساخت آمریکا در کشورهای عربی خلیج پارس برای دفاع در برابر شلیک موشک‌های ایران در سراسر کرانه‌ی جنوبی خلیج پارس نصب شده است.

رژیم جمهوری اسلامی به نمایندگی از سوی ملت ایران قراردادی را با دولت روسیه امضاء کرده و به آنها پروانه داده، هر زمان که لازم بدانند با یکصد هزار سرباز روسی بدون اجازه‌ی دولت و ملت ایران، وارد کشور بشوند. پرزیدنت پوتین مانند گرگی گرسنه در کمین نشسته تا فقط یک تیر و شاید هم به اشتباه از سوی سربازان آمریکا در خلیج پارس به سوی ایران شلیک گردد، در نتیجه به بهانه‌ی این قرارداد ننگین با یکصد هزار سرباز وارد ایران خواهد شد و هدفی به جز اشغال شمال ایران و تجزیه آذربایجان ندارد. ننگ به روزی که مادران و دختران ملت ایران مجبور به بوسیدن چکمه‌های سربازان روسی بشوند.

این گوی و این میدان سال ۲۰۱۴

آیا ما ایرانیان توان ایجاد نقشی در میدان ۲۰۱۴ خواهیم داشت یا مانند ۳۵ سال گذشته تماشاچی و سیاهی لشکر باقی خواهیم ماند تا دشمنان ملت و فرهنگ ایران آسوده خاطر برای ما تصمیم بگیرند؟

به یزدان که گر ما خرد داشتیم کجا این سر انجام بد داشتیم

نوشیروان حاتم

پیشگامان بازگشت به هویت ایرانی

۱۴ فروردین ۲۵۷۳ شاهنشاهی | ۵ آپریل ۲۰۱۴ مسیحی

دریافت بازتاب دیدگاه شما hatam@pishgamaan.org